

بحثی ساده در خصوص رؤیت هلال در اول ماه

درست است که ماه قابل رؤیت نیست، ولی قابلیت رؤیت را داراست ...



درست است که ماه قابل رؤیت نیست، ولی قابلیت رؤیت را داراست و لذا رؤیت فعلی ملاک امام (ع) در این حدیث نبوده بلکه رؤیت شأنی مد نظر حضرت بوده است، پس از هر طریق که کشف شود ماه قابلیت رؤیت را داراست می توان حکم به حلول ماه جدید قمری داد؛ خواه هلال ماه توسط مرصدين رؤیت شود، خواه به هر دلیل خارجی و طبیعی و عوامل گوناگون توسط مرصدين رؤیت نگردد. اگر قابلیت رؤیت هلال ماه در شب مخصوص، توسط منجمين به طور قطع و یقین و بدون اختلاف نظر بین آنها اعلام شود، دیگر نیازی به رؤیت هلال ماه نیست زیرا به طور حتمی ماه از محاق خارج شده و قابلیت رؤیت را داراست.

موضوعی مهمی که در واپسین روزهای ماه مبارک رمضان همیشه مورد بحث و جدل قرار می گیرد، رویت هلال ماه شوال (عید سعید فطر) است. در این نوشتار سعی شده است که این موضوع، به گونه‌ای ساده و روان و دور از هر گونه اصطلاحات فنی و پیچیده فقهی که شاید درک آن برای غیر متخصصین این فن مشکل و غیر قابل فهم باشد، به صورت اختصار بیان مطلب شود.

دیدگاه فقه‌های شیعه

شیخ در کتاب «مبسوط؛ رؤیت در یک شهر را فقط در صورتی برای شهر دیگر کافی دانسته است که آن دو شهر کاملاً هم افق باشند، به گونه‌ای که اگر در شهر دیگر هوا صاف بود و مانعی خارجی وجود نداشت هلال در آن شهر هم قابل رؤیت باشد. (طوسی، مبسوط، 1/268) محقق نیز در کتاب «معتبر؛ فقط رؤیت در بلاد متقارب را کافی دانسته است. (حلی، محقق، 2/689)

علامه در مساله 76 کتاب «تذکره؛ از احمد حنبل و بعض شافعية و برخی از علمای شیعه نقل کرده است که؛ «رؤیت هلال در یک منطقه برای ثبوت حلول ماه در تمام کره زمین کافی است. وی سپس استدلال آنان را برای این نظریه نقل کرده و پاسخ گفته است. از جمله ادله آنان مسطح بودن کره زمین است که علامه آن را مردود دانسته و کروییت زمین را تایید کرده است. (علامه، تذکره 6/122)

علامه حلی در قول دیگرش در کتاب «منتهی؛ به نفع این نظریه استدلال کرده و دلیل مخالفان را پاسخ گفته است. شیخ انصاری در کتاب «صوم؛ این نظر را به کتاب «تحریر؛ نسبت داده است. (انصاری، 245)

شهید اول در کتاب «دروس؛ کفایت رؤیت در شهرهای واقع در مشرق را برای شهرهای واقع در مغرب هر چند از یکدیگر دور باشند محتمل دانسته است. ایشان یقین به رؤیت پذیر بودن ماه در شهرهای غربی تر را دلیل این نظریه دانسته است. (عاملی، محمد، 285/1)

بنابراین، در هزاره اول فقه شیعه ، در این مساله فقط به دو نظریه بر می خوریم:

1- نظریه کفایت رؤیت برای بلاد متقارب

2- نظریه کفایت رؤیت در شهرهای شرقی برای شهرهای غربی. به گفته شیخ انصاری نظریه عدم کفایت رؤیت برای بلاد متقارب در میان فقه‌های شیعه قائلی ندارد و در مقابل، نظریه کفایت مطلق رؤیت در یک منطقه برای همه مناطق که از سوی فقه‌های عامه ابراز شده نیز در میان قدمای شیعه مورد قبول فقیه شناخته شده ای قرار نگرفته است.

اما در هزاره دوم نظریه کفایت رؤیت برای همه مناطق از سوی جمعی از فقه‌های شیعه مانند صاحب حدائق و صاحب جواهر، نراقی، و

علامه در کتاب ««منتهی» به دنبال عبارتی که از وی نقل شد افزوده است: ««آری! اگر ثابت شد که بخاطر رؤیت زمین با وجود طلوع ماه در منطقه‌ای در منطقه دوردستی هنوز طلوع نکرده است نمی‌توان حکم آن دو را یکسان شمرد». (علامه، منتهی 255/9)

با این توضیح معلوم می‌شود که علامه نیز همان مبنای شیخ طوسی در مورد لزوم قابل رؤیت بودن ماه در شهر دیگر را پذیرفته است، ولی از آنجا که از نظر نجومی برایش ثابت نیست که صرف تباعد شهرها و اختلاف در عرض جغرافیائی موجب تفاوت شرایط رؤیت باشد از این رو در صورت شک، به ادله نقلی که در آنها تفاوتی میان شهرهای دور و نزدیک گذاشته نشده رجوع نموده است.

محقق نراقی در مستند نیز همانند علامه معتقد است که صرف اختلاف در طول و عرض جغرافیائی تفاوت افق را نتیجه نمی‌دهد و با وجود احتمال عدم تفاوت باید به اطلاق یا عموم اخبار مراجعه کرد. (نراقی، 421/10)

صاحب حدائق هم با انکار کرویت زمین مشکل اختلاف مطلع را حل کرده (بحرانی 266/13) و مانند نراقی و فیض کاشانی (کاشانی 121/11) و صاحب جواهر (نجفی 361/13) اطلاق و عموم اخباری را که می‌گوید اگر در یک شهر دیده شده است باید ساکنان شهر دیگر که ماه را ندیده بودند و روزه نگرفته اند قضای روزه از دست رفته را بگیرند مرجع دانسته است.

از مطالب فوق این نتیجه بدست می‌آید که تمامی فقهای شیعه بر این نکته متفق القول هستند که با وجود رؤیت ماه در یک شهر، مسلماً حکم شهر دیگری که در نقطه‌ای قرار دارد که به لحاظ طبیعی امکان رؤیت هلال برای ساکنانش در زمان غروب خورشید منتفی است با آن شهر یکسان نیست.

آنچه که در این مقاله مورد پیگیری و مذاقه قرار خواهد گرفت، نظریه فقهاء و مراجع عظام تقلید حال حاضر بوده و بیان نظریات فقهای گذشته صرفاً برای آشنایی مخاطبان عزیز، بیان و طرح شده است.

ماه به 5 راه ثابت می‌شود:

اول؛ آنکه خود انسان ماه را ببیند.

دوم؛ عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا شود بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

سوم؛ دو مرد عادل بگویند که ماه را دیده‌ایم. (البته به این شرط که صفت ماه را بر خلاف یکدیگر نگویند و شهادتشان خلاف واقع نباشد)

چهارم؛ سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه رمضان ثابت میشود و سی روز از اول رمضان بگذرد که به واسطه آن اول ماه شوال ثابت میشود. پنجم حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.

چرایی اختلاف بر سر اثبات اول ماه به علت وجود تفاوت در مبنا و فتاوای مراجع عظام تقلید است که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

1- یکی از این اختلافات، بخاطر تفاوت مبنا و دیدگاه فقهی بین مراجع عظام تقلید در رابطه با روش رویت هلال ماه است. بدین معنا که عده‌ای از فقهای عظام رویت هلال ماه را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) جایز نمی‌دانند و آنرا رویت به حساب نمی‌آورند، بلکه قائل هستند که حتماً رویت باید با چشم غیر مسلح و بطور عادی انجام پذیرد. در مقابل عده‌ای دیگر از مراجع عظام رویت هلال را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) دارای وجاهت شرعی قلمداد کرده و برای آن ترتیب اثر قائل هستند.

2- مطلب دیگر که باعث می‌شود اثبات اول ماه دچار اختلاف شود باز هم برگشت به نوع مبنا و دیدگاه فقهی مراجع عظام تقلید در رابطه با مکان رویت هلال ماه است.

عده‌ای از مراجع عظام تقلید قائل هستند که رویت هلال باید در افقی واقع شود که محل زندگی ما باشد، مثلاً اگر ساکن شهر تهران هستیم باید در افق تهران دیده شود و یا مثلاً در افق شهر شهرکرد هلال ماه رویت شود. زیرا این دو شهر اتحاد در افق دارند، ولی در مقابل این مبنا و دیدگاه فقهی، دیدگاهی مخالف وجود دارد که بر اساس آن هر کجا از عالم که با محل زندگی ما در مقداری از شب مشترک بودند هلال ماه رویت شود برای تمامی ساکنین این اماکن، اول ماه به حساب می‌آید و این گونه مبناي وحدت افق را شرط

مثلا اگر در انگلستان چون در مقداری از شب با ما که در ایران هستیم مشترک هستند با اینکه از لحاظ افق با هم متفاوت است، هلال ماه رویت شود برای ما هم که در ایران زندگی می کنیم، اول ماه اثبات خواهد شد.

3- مطلبی دیگری که باعث می شود اثبات اول ماه دچار اختلاف شود این است که آیا رؤیت هلال برای اثبات اول ماه جدید قمری، طریقت دارد یا موضوعیت؟ و اینکه آیا «#رؤیت هلال» به عنوان یک فعل انسانی، بالاصاله موضوع وجوب برخی احکام شرعی مانند روزه قرار گرفته و شارع مقدس بر اساس یک تعبد شرعی، حکم خود را به عمل رؤیت منوط نموده است؛ و یا این که رؤیت هلال ماه، خود اصلت و استقلال ندارد و فقط به عنوان یک راه برای کشف پدیده حلول ماه جدید مطرح است؟ از احتمال اول به عنوان «#موضوعیت» و از فرض دوم به مبنای «#طریقت» تعبیر می شود.

در صورت انتخاب مبنای «#موضوعیت رؤیت» جای سخن درباره راه های دیگر ثبوت حلول ماه باقی نمی ماند و فقط می توان درباره این که آیا ملاک، رؤیت شخصی است و یا رؤیت نوعی بحث کرد. زیرا موضوعیت داشتن یک عنوان در حکم شرعی به این معناست که شارع، ذات آن عنوان را بدون توجه به هیچ عامل دیگری مورد توجه قرار داده است. بدیهی است چنین نگاهی به رؤیت، با نگاه طریقی به رؤیت ناسازگار است.

اما در «#نظریه طریقت» جای این بحث وجود دارد که آیا رؤیت، طریق انحصاری برای اثبات حلول ماه نو است یا راه های دیگر هم در کنار رؤیت برای اثبات حلول ماه نو پذیرفته می شود که در این صورت رویت هلال ماه برای اثبات اول ماه ملاک و اساس قرار نخواهد گرفت و آنچه که مهم است این است که ماه قابل رویت باشد نه اینکه رویت حتما توسط انسان انجام یپذیرد.

پس می بینیم که اختلاف دیدگاه مراجع عظام تقلید در رابطه با رویت هلال و اثبات اول ماه دارای مبانی کاملا متفاوت است پس در نتیجه اثبات اول ماه با وجود اختلاف مبناء به وحدت نخواهد رسید.

نظریه «#تولد ماه»

البته در این میان، دو تن از فقهای عظام فارغ از تمام مباحثی که تا الان مطرح شده است ، قائل به نظریه «#تولد ماه» هستند که این نوع فتوا و مبناي شرعی و فقهی می تواند راهگشای این اختلاف باشد.

علم نجوم از قدیم الایام ثابت کرده است که ماه در حرکت انتقالی خود به دور زمین که از غرب به سوی شرق جریان دارد و سی روز یکبار بین زمین وخورشید قرار می گیرد و در این حال آن نیمه اش که رو به زمین و پشت به خورشید دارد تاریک و ناپیداست و اصطلاحا در محاق قرار دارد و با خروج از حالت مقارنه و محاذات با خورشید به سمت شرق قابل رؤیت می شود. دانژون ستاره شناس فرانسوی در سال 1940 میلادی برای نخستین بار ثابت کرد که سایه ای ماه که از ارتفاعات بلند واقع در قسمت غربی بر قسمت شرقی اش می اندازد موجب می شود که رؤیت ماه را در آغاز خروجش از محاذات و مقارنه با خورشید تا حد رسیدن بر 7درجه غیر ممکن شود و پس از این که بیش از 7 درجه از حالت مقارنه به سوی شرق حرکت کرد برای ساکنان زمین قابل رؤیت خواهد بود. بنابراین نظریه تولد ماه نو به معنای نجومی و تکوینی آن که خروج از حال مقارنه و محاذات با خورشید است ساعاتی قبل از آن که با چشم انسان قابل رؤیت شود صورت می گیرد.

بنابراین می توان ملاک حلول ماه نو و تشکیل هلال که همزمان با خروج ماه از حال مقارنه با خورشید اتفاق می افتد دانسته و به این نتیجه برسیم که چون زمان خروج ماه از حال مقارنه که توسط منجمین اعلام می شود برای همه مناطق کره زمین در یک زمان رخ می دهد و این عمل بوسیله دستگاه های پیشرفته امروزی بسیار آسان قابل محاسبه می باشد که ماه در چه ساعت و چه دقیقه و چه ثانیه ای متولد خواهد شد، یعنی قسمت نورانی ماه از چه لحظه پدید می آید و ماه از محاق خارج می شود که البته در این مبناي دیگر رویت ماه ملاک و اساس نخواهد بود، بلکه آنچه مبناي قرار می گیرد فقط تولد ماه است که بصورت تکوینی رخ می دهد و برای مناطقی از کره زمین که لحظه تولد ماه که قبل از ظهر رخ داده است، اول ماه به حساب می آید و برای بقیه مناطق کره که تولد بعد از ظهر رخ داده است فردا اول ماه محسوب می گردد.

قابل ذکر است که مبناي «#تولد ماه» را هیچ یک از مراجع عظام تقلید قبول ندارند و بنابراین این نوع نگاه در حال حاضر قابل اجرا نمی باشد زیرا اکثریت قریب به اتفاق مراجع عظام تقلید رویت هلال ماه را ملاک و معیار اثبات اول ماه می دانند و برای آن موضوعیت قائل هستند. موضوعیت داشتن یک عنوان در حکم شرعی به این معناست که شارع ذات آن عنوان را بدون توجه به هیچ عامل دیگری مورد توجه قرار داده است.

لذا در جواب کسانی که می گویند چرا با وجود دستگاه های پیشرفته امروزی، به حرف منجمین اعتماد نمی شود؛ باید گفت که اولاً تولد ماه را هیچ یک از مراجع عظام تقلید به عنوان راهی برای اثبات اول ماه قبول ندارند و ثانیاً اینکه بنا به نظریه و فتاوی اکثر مراجع عظام تقلید رویت هلال ماه، برای اثبات اول ماه، موضوعیت دارد، زیرا در روایت صحیح از معصوم (علیه السلام) آمده است: «صم لروية و افطر لروية» یعنی با رویت هلال ماه رمضان روزه را شروع کنید و با رویت هلال ماه در اول ماه شوال روزه خود را افطار نمایید که همان عید سعید فطر است.

همچنین باید گفت حکم حاکم شرع یکی از راه های اثبات است و اگر حاکم، حکم کند، برای بقیه لازم الاتباع است.

اما آنچه که از فحواي احادیث در رابطه با آغاز ماه قمری به نظر میرسد آن است که «شرط رویت، در اثبات اول ماه قمری موضوعیت نداشته، بلکه طریقی است برای کشف اول ماه. و لحظه آغاز اول ماه نو قمری، خروج ماه از محاق می باشد؛ البته به همراه قابلیت رویت هلال، زیرا در روایت «صم لروية و افطر لروية» رویت فعلی مد نظر نیست، بلکه رویت شأنی مورد توجه قرار گرفته است و در تایید این نظریه با کمی دقت و تأمل در صحیحه «محمد بن قیس» که از حضرت (ع) سوال می کند و حضرت می فرماید که؛ «اگر شما هلال را قبل از ظهر دیدی آن روز اول شوال است و اگر بعد از ظهر دیدی فردا اول شوال است» به نکته بسیار مهمی دست خواهیم یافت که عادتاً ماه، در ظهر روز اول هر ماه قمری به علت بسیار نازک بودن و کم نور بودن رویت پذیر نیست.

پس چگونه است که امام این مطلب را بیان داشته اند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت: درست است که ماه قابل رویت نیست، ولی قابلیت رویت را داراست و لذا رویت فعلی ملاک امام (ع) در این حدیث نبوده بلکه رویت شأنی مد نظر حضرت بوده است، پس از هر طریق که کشف شود ماه قابلیت رویت را داراست می توان حکم به حلول ماه جدید قمری داد؛ خواه هلال ماه توسط مرصدین رویت شود، خواه به هر دلیل خارجی و طبیعی و عوامل گوناگون توسط مرصدین رویت نگردد.

البته برای اثبات این نظریه قرائن و دلایل متقن دیگری نیز وجود دارد که فعلاً مجال پرداختن به آن در این نوشتار نیست.

با توجه به این مطالب، برای اثبات اول ماه قمری، اگر قابلیت رویت هلال ماه در شب مخصوص، توسط منجمین بطور قطع و یقین و بدون اختلاف نظر بین آنها اعلام شود، دیگر نیازی به رویت هلال ماه نمی باشد زیرا بطور حتمی ماه از محاق خارج شده و قابلیت رویت را داراست.

* نویسنده: حجت الاسلام مرتضی اشراقی